

Governmental Style Related to Agents in two Islamic and Cultural Spheres in the Letters of Nahj al-Balagheh

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Fatemeh Yari ¹

Seyedeh Saeedeh Gharavi ^{2*}

Ezzatullah Molaie Niya ³

How to cite this article

Fatemeh Yari, Seyedeh Saeedeh Gharavi, Ezzatullah Molaie Niya, Governmental Style Related to Agents in two Islamic and Cultural Spheres in the Letters of Nahj al-Balagheh, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*, 2022:5(4): 730-737.

1. PhD student, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Qom, Qom, Iran.
2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Qom, Qom, Iran (corresponding author).
3. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Qom, Qom, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: saeedehgharavi@yahoo.com

Article History

Received: 2021/10/30

Accepted: 2021/12/04

ABSTRACT

Purpose: Imam Ali (AS) as the ruler of the Islamic society at a special and sensitive time, sent agents in various fields such as economic and military for the Islamic government, and in line with explaining the duties and drawing the governmental policies, the rulings and orders for the Islamic government They communicated in the form of letters.

Materials and Methods: The present study aims to analyze and analyze the government decrees in the economic and military fields in the letters sent by Imam Ali (a.s.) to his agents by adopting the descriptive-analytical method.

Findings: Investigations show that government economic decrees are addressed to brokers with the aim of protecting property, preventing embezzlement, encouraging simple living, etc. Government decrees addressed to officials in the military field were also in the field of military tactics training, proper treatment of prisoners of war, how to divide war spoils, how to choose war commanders, etc.

Conclusion: Therefore, the impeachment and government installations of His Holiness were based on specific criteria and criteria, and the main criterion for installation was all-round competence, and the main criterion for impeachment was crossing moral and economic red lines.

Keywords: Government Decrees, Rhetoric, Letters, Brokers, Economic, Cultural

سبک حکومتی مربوط به کارگزاران در دو حوزه

اسلامی و فرهنگی در نامه های نهج البلاغه

فاطمه یاری^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران.

سیده سعیده غروی^{۲*}

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

عزت الله مولایی نیا^۳

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

هدف: امام علی (ع) به عنوان حاکم جامعه اسلامی در برهه زمانی خاص و حساس، کارگزارانی را در حوزه‌های مختلفی همچون اقتصادی و نظامی برای حکومت اسلامی گسیل داشتند و در راستای تبیین وظایف و ترسیم خط مشی‌های حکومتی، احکام و فرامینی حکومتی را برای ایشان در قالب نامه‌هایی ابلاغ نمودند.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر در صدد است با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، احکام حکومتی در حوزه اقتصادی و نظامی را در نامه‌هایی که از سوی امام علی(ع) به سوی کارگزارانشان فرستاده شده است، بررسی و تحلیل نماید.

یافته ها: بررسی‌ها نشان می‌دهد احکام حکومتی اقتصادی خطاب به کارگزاران با هدف حراست از بیت‌المال، جلوگیری از مال‌اندوزی، تشویق به ساده‌زیستی و... ابلاغ می‌گردید. احکام حکومتی خطاب به کارگزاران در حوزه نظامی نیز در حوزه آموزش تاکتیک‌های نظامی، رفتار شایسته با اسیران جنگی، نحوه تقسیم غنایم جنگی، نحوه انتخاب فرماندهان جنگی و... بود.

نتیجه گیری: بنابراین عزل و نصب‌های حکومتی حضرت بر مبنای ضوابط و معیارهایی خاص بود و ملاک اصلی برای نصب، شایستگی همه جانبه و ملاک اصلی برای عزل، عبور از خطوط قرمز اخلاقی و اقتصادی بود.

کلیدواژه‌ها: احکام حکومتی، نهج البلاغه، نامه‌ها، کارگزاران، اقتصادی، فرهنگی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳

* نویسنده مسئول: saeedehgharavi@yahoo.com

مقدمه

امام علی(ع) در دوران حکومت کوتاه خود، جز به حاکمیت اسلام و اجرای احکام و قوانین آن نمی‌اندیشید تا در پرتو آن «عدالت در جامعه» برقرار شده و مردم در جامعه ای سالم و عادلانه به «رشد و کمال معنوی» نایل شوند. هر چند موانع فراوانی از سوی افراد و جریان‌های مختلف ایجاد شد و حضرت برای رسیدن به هدف مقدس فوق، توفیق کامل نیافت، اما گفتار و سیره او را در اداره جامعه، الگوی روشنی برای مسلمانان، بلکه بشر به ارمغان گذاشت.

احکام بسیاری در حوزه حکومت و تصدی‌گری منصب زمامداری جامعه اسلامی از ناحیه حضرت مطرح گردیده است که دارای انواع و اقسام گوناگونی اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، قضایی و... است.

در روایات و سیره از راه‌هایی می‌توان حکم حکومتی را شناخت: ۱. احکامی که پیامبر(ص) و امامان درباره عزل و نصب مسئولان و مدیران صادر کرده‌اند. ۲. احکامی که با عبارات «قضی»، «حکم» و «امر» از امامان وارد شده است. ۳. احکامی که در غزوات و جنگ‌ها از معصومان (ع) صادر گشته است. (۱)

بخشی از احکامی که از سوی امام علی(ع) در دوران حکومتش صادر شد، احکامی است در عزل یا نصب استانداران، کارگزاران، مأموران حکومتی، قضات و فرماندهان نظامی. اما به عنوان حاکم جامعه هر شخصی را که برای ولایت و اداره شهری، به مصلحت نمی‌دانست، عزل و شخص دیگری را که لایق منصب تشخیص می‌داد، نصب می‌کرد. عزل و نصب و دستور عملهایی که ابلاغ می‌کرد و احکام مأموریتی که صادر می‌نمود، در زمره احکام حکومتی قرار می‌گیرد.

امام علی(ع) به سبب انحراف جامعه اسلامی از مسیر اصلی خود، همت خویش را برای اصلاح امور مصروف داشت. روند فتوحات را که در زمان خلفا شدت یافته بود، کند کرد، چرا که با گسترش فساد در جامعه، فتوحات تنها بر مشکلات می‌افزود. رواج تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها و فزون‌طلبی‌ها و دریافت سهم بیشتر از بیت‌المال و تصدی مسؤولیتها توسط افراد فاسق و نالایق بنی‌امیه و ظلم و اجحاف به مردم از جمله انحرافات بود که جامعه از آن رنج می‌برد. به همین جهت، امام(ع) اصلاح جامعه را از بزرگترین وظایف می‌دانست. مقابله امام با فتنه‌گران که دین و ایمان مردم و حقوق آنان را در معرض تهدید قرار داده بودند، از اقدامات اساسی ایشان بود.

در میان احکام حکومتی امام در زمان خلافتش، احکام اقتصادی برای بهبود وضع معیشت مردم جایگاه ویژه ای داشت. معمولاً تجاوز به حقوق مردم در بعد اقتصادی بیشتر رخ می‌دهد و طمع به مال دنیا و فزون خواهی، سبب دست‌اندازی به بیت‌المال یا اموال خصوصی است.

همچنین بخش وسیعی از احکامی که امام علی(ع) صادر کرد، در مقام قضاوت و داوری بود. احکام قضایی امام برای اجرای حدود الهی از این جهت که اجرای حدود و تحقق مجازات الهی بود، اعمال ولایت بود، هرچند تحقق بخشیدن به احکام اولیه اسلام است، چنانکه تعزیر متخلفان و مجازات آنان، به مقدار و نوعی که

مصلحت تشخیص می داد، بخش دیگری از احکام حکومتی حضرت است.

اما به عنوان حاکم جامعه هر شخصی را که برای ولایت و اداره شهری، به مصلحت نمی دانست، عزل و شخص دیگری را که لایق منصب تشخیص می داد، نصب می کرد. عزل و نصب و دستورالعمل-هایی که ابلاغ می کرد و احکام مأموریتی که صادر می نمود، در زمره احکام حکومتی قرار می گیرد.

در این میان، احکام حکومتی در دو حوزه اقتصادی و نظامی، بخش وسیعی از نامه‌های حضرت را شامل می‌شود که طی آن به کارگزاران شیوه صحیح مدیریت اقتصادی و نظامی آموزش داده شده و فرمان حکومتی مبنی بر نحوه انتخاب کارگزار، عزل و نصب‌ها، تعریف و انتقادات و... در نامه‌های حضرت جایگاه ویژه‌ای دارد. این پژوهش در راستای بررسی و تحلیل احکام حکومتی امام علی (ع) به کارگزاران در دو حوزه اقتصادی و نظامی در نامه‌های نهج البلاغه سامان یافته است.

پیشینه تحقیق

پایان نامه «نظارت بر اعمال و رفتار کارگزاران حکومتی در قرآن و نهج البلاغه» نوشته حسن فلاح زاده ابرقویی. در در این پایان‌نامه سعی شده است به رویکرد نظارت، چگونگی، گزینش کارگزاران در مناصب گوناگون سیاسی، نظامی، اقتصادی و سیاست‌های نظارتی در چهار قالب مستقیم، غیر مستقیم، پنهان، عمومی پرداخته شود. پایان نامه «بررسی رهبری اخلاق مدارانه در تعامل کارگزاران اقتصادی با مردم با نگاه بر نامه ۲۵ و ۲۶ نهج البلاغه» نوشته فاطمه محقق‌نیا. طبق نتایج این پایان‌نامه، حضرت علی (ع) نه تنها به کارگزاران و کارکنان سیاسی خود که به عاملان اقتصادی خود می‌آموزد که با مردمان مشی و روشی کاملاً انسانی داشته باشند و چنین رفتاری، برآمده از نگاهی اخلاق مدارانه و خدمت گزارانه به همگان است. مقاله «امام علی (ع) کارگزاران حکومت و راهکارهای اصلاحات» نوشته جهانبخش ثواقب که طی این مقاله ملاک‌های انتخاب کارگزار شایسته بیان گردیده است. مقاله «بازنمایی نامه‌های حکومتی امام علی (ع) به کارگزاران و فرماندهان» نوشته محمدتقی سازندگی که طی این مقاله نامه‌های امام علی (ع) در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به کارگزاران حکومت و تعمیم آن به جامعه امروزی بررسی شده است. مقاله «نگاهی به فقه امام علی (ع) با تأکید بر عناصر احکام حکومتی، رویکرد قضایی و شذوذات روایی» نوشته بهرام بهرامی و حسین ناصری مقدم که در قسمتی از این مقاله به احکام حکومتی صادر شده از ناحیه امام علی (ع) در مناسبت‌های مختلف پرداخته شده است. این پژوهش صرف نظر از مقالات انجام شده، می‌کوشد تا احکام حکومتی که در نامه‌های امیرالمؤمنین (ع) به کارگزاران اقتصادی و نظامی‌اش وجود دارد، بررسی و تحلیل نماید که تاکنون پژوهش مستقلی در این زمینه صورت نپذیرفته است.

تعریف حکم حکومتی

تعاریف متعددی تاکنون پیرامون حکم حکومتی بیان گردیده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

حکم حکومتی عبارت است از انشایی که از جانب حاکم در عناوین شرعی یا وضعی با لحاظ موضوع آن‌ها درباره مورد خاصی، صادر می‌شود. (۲) یا حاکم جامعه اسلامی، قوانینی را در حوزه مسائل اجتماعی، بر اساس معیارهای شرعی و عقلی، با هدف اجرای احکام دینی یا اداره جامعه، در ابعاد گوناگون آن و تنظیم روابط داخلی و خارجی به طور مستقیم یا غیر مستقیم، صادر یا وضع می‌کنند. (۳) یا ممکن است احکام حکومتی: ۱. در راستای اجرای احکام شرع یا در مقام اداره کشور و انجام مقررات مسکوت شرعی (غیر منصوص) باشد. ۲. وجه قانون‌گذاری یا اجرایی داشته باشد. ۳. به طور مستقیم توسط حاکم یا به طور مستقیم یا به طور غیر مستقیم و توسط اشخاص (حقیقی یا حقوقی) صادر شود. (۴) همچنین دستوری که از سوی حاکم اسلامی مبنی بر اعتبار حکم تکلیفی یا حکم وضعی یا موضوع آن دو در موارد مشخص نافذ باشد، حکم حکومتی است. (۵). صاحب جواهر در تعریف حکم حکومتی می‌نویسد: «حکم عبارت است از انشای انفاذ حکم شرعی یا وضعی یا موضوع هر یک از این دو گونه حکم، از طرف حاکم و نه از طرف شارع متعال.» (۶)

فلسفه احکام حکومتی

انسان دارای نیازها و احتیاجات متفاوت است و در نتیجه قوانین لازم برا او نیز یکسان نخواهد بود. برخی از احتیاجات بشری در تمام زمان‌ها و مکان‌ها ثابت می‌ماند و برخی دیگر تابع شرایط زمان و مکان است. لذا قوانین نیز دو نوع است: یک دسته قوانین ثابتی که تحت هیچ عنوان تغییر پیدا نمی‌کند و برای همه مردم و در همه زمان‌ها ثابت است و از آنجایی که شارع مقدس حکیم است، این حکم دایر مدار وجود مفسد و مصالح واقعی می‌باشد که گاه برای انسان معلوم و گاهی نیز نامعلوم است و دسته دیگر قوانین متغیر که تابع شرایط زمان و مکان است. ولی این هر دو دسته قانون هستند و برای اعتبار داشتن باید متناسب به خداوند متعال باشند. پس عنوانی که در موضوع یک حکم شرعی مورد نظر است، گاه ثابت می‌باشد، با قطع نظر از عوارض و پدیده‌هایی که موجب تغییر احکام می‌شود؛ چنین عنوانی را عنوان اولی و حکم ناشی از آن را حکم اولی می‌نامند. احکام اولی احکامی هستند که موضوع آن‌ها عنوان اولی و افعال مکلفان است؛ مانند وجوب نماز و زکات، ادای دین، حرمت اتلاف مال غیر و نظایر آن که به وسیله احکام ثانویه به عنوان تبدیل موضوع و نه به عنوان تغییر حکم و بقای موضوع، قابل رفع می‌باشد. این احکام که از جنبه ثابت انسانیت و چهره جاودانی بشریت مایه می‌گیرند، بر اساس فطرت ثابت و تغییر ناپذیر انسان تنظیم شده است. این حکم همگانی و همیشگی است؛ چون فطرت انسان در طی زمان عوض نمی‌شود؛ چنین قوانینی که با فطرت ثابت منطبق هستند و برای تعدیل و تنظیم آن وضع شده‌اند، به علت ثابت بودن آن ثابت خواهند بود. (۷)

دیگران قرار گیرند، بیان می‌دارد تا با استفاده از این ویژگی‌ها بتوان ایده‌آل حکمرانی را دریافت.

حضرت در نامه ۵۶ خطاب به فرمانده سپاه شریح بن هانی توصیه‌هایی از اخلاق فرماندهی را برای وی بیان می‌دارد که از جمله آن‌ها کنترل نفس از سرکشی‌ها، و نگهداری از نفس در هنگام خشم است. همچنین حضرت در نامه‌ای دیگر خطاب به یکی از فرماندهان، نحوه تعامل وی با مردم را اینگونه تبیین می‌کنند:

«در آنجا که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن و در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن. پر و بالت را در برابر رعیت بگستران؛ با مردم گشاده‌روی و فروتن باش و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند.» (همان، نامه ۴۶)

در نتیجه باید گفت کارزار شایسته کسی است که به‌عنوان نماینده مردم، ویژگی‌های ایشان را در نظر گرفته و انعطاف‌پذیری خود را نسبت به هر فردی متناسب با ویژگی‌های او انتخاب نماید.

احکام حکومتی مربوط به عزل و نصب کارگزاران توجه به اهمیت عزل و نصب کارگزاران و تأثیر آن در توسعه و تقویت نظام اسلامی مبتنی بر اندیشه علوی از جایگاه مهمی برخوردار است و بسیار فراتر از یک قرارداد اجتماعی میان مردم و زمامداران است. مبنای اساسی نظام عزل و نصب از دیدگاه امام علی (ع)، اعتلای کلمه حق است. ای ارزشی است که ضرورت تحقق آن را می‌توان باور داشت و رویکرد اصلی و غالب در منطق سیاسی امیرالمؤمنین (ع)، بایدها و نبایدهایی است که در نظام عزل و نصب کارگزاران به آن توجه باید داشت. مبنای عزل و نصب به دو اصل کلی ایجابی (خطوط حاکم) و سلبی (خطوط قرمز) منشعب می‌شود (۸).

از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) عزل و نصب‌ها باید مبتنی بر اصول و ضوابطی صورت گیرد. حضرت زمانی که فرمانده یا کارگزاری را عزل و نصب می‌کند، معیارهایی را در نظر دارد. به‌عنوان مثال، در عزل کارگزاری خاص، دلجویی از وی در دستور کار قرار می‌دهد. در نامه ۴۲ نهج‌البلاغه پس از عزل «عمر بن ابی سلمه مخزومی» از فرمانداری بحرین، از وی اینگونه دلجویی کردند:

«به راستی تاکنون زمامداری را به نیکی انجام دادی، و امانت را پرداختی. پس به سوی ما حرکت کن، بی‌آنکه مورد سوء ظن قرار گرفته یا سرزنش شده یا متهم بوده و یا گناهکار باشی که تصمیم دارم به سوی ستمگران شام حرکت کنم. دوست دارم در این جنگ با من باشی، زیرا تو از دلاورانی هستی که در جنگ با دشمن و برپا داشتن ستون دین از آنان یاری طلب می‌کنم.» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۲)

لذا حضرت با لحنی ملایم عزل این فرماندار را ابلاغ نمودند و از وی دلجویی کردند. این موضوع در نصب مالک اشتر به جانشینی مصر به جای محمد بن ابی بکر نیز به چشم می‌خورد و حضرت پس از خبردار شدن از ناراحتی محمد بن ابی بکر نسبت عزل‌اش از حکومت مصر، از وی دلجویی نموده و این عزل و نصب را سهل انگاری محمد بن ابی بکر نمی‌داند؛ بلکه بیان می‌دارند که در راستای

احکام حکومتی در فقه علوی (ع)

بدون تردید سهم و نقش امام علی (ع) به‌عنوان تنها امامی که این توفیق را یافت که مدت نسبتاً خوبی رهبری یک حاکمیت دینی را بر عهده بگیرد، در نظریه پردازی و راهکارهای اجرایی فقه حکومتی از منظر شیعه، حائز اهمیت فراوان است. در نگاه امام علی (ع) رهبری و حاکمیت، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ تا آنجا که انتخاب زمامدار را یکی از واجبات الهی برمی‌شمارد. از منظر فقه امامیه، امام و پیشوای مسلمانان می‌تواند از اختیارات و حقوقی افزون بر آنچه در احکام عادی آمده است، تحت عنوان «احکام حکومتی و سلطانی» در جهت مصالح مسلمانان استفاده کند. امام علی (ع) نخستین امامی است که هم در گفتار و هم در رفتار، حکم حکومتی را مطرح می‌کند و سامان می‌بخشد.

بیان ویژگی‌های کارگزاران شایسته

در دیدگاه امام علی (ع)، فلسفه حکومت احیای حق، انهدام باطل و رساندن انسان از خاک به خداست. این آرمان والا جز با حکومت صالحان تحقق نمی‌یابد. روشن است که امام باید کارگزاران خویش را از میان بهترین‌ها و نخبگان انتخاب کند تا اشتباهات و انحرافات احتمالی به حداقل برسند. از این رو، نخستین اقدام حکومتی امام پس از بیعت مردم، جابه‌جایی و عزل و نصب وسیع مدیران اجرایی نظام پیشین بود. معیارهای امام (ع) برای انتخاب کارگزاران در رده‌های گوناگون، برگرفته از متن دین و مورد رضای خدا و پیامبر اکرم (ص) بود.

ایده‌آل‌های مربوط به کارگزار شایسته، از منظر امیرالمؤمنین در نامه‌های بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است. به‌عنوان مثال در نامه ۳۸، مالک اشتر به‌عنوان الگوی شایسته کارگزاری، دارای ویژگی‌هایی همچون شجاعت، خستگی‌ناپذیری، سختگیر بودن نسبت به بدکاران و... است. با وجود این ویژگی‌ها حضرت فرمان می‌دهند که از آنچه مالک می‌گوید، تبعیت شود:

«آنجا که با حق است، سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید؛ او شمشیری از شمشیرهای خداست که نه تیزی آن کند می‌شود و نه ضربت آن بی‌اثر است. اگر شما را فرمان کوچ کردن داد، کوچ کنید و اگر گفت بایستید، بایستید. او در پیش روی و عقب نشینی و حمله بدون فرمان من اقدام نمی‌کند. مردم مصر ! من شما را برای خود برگزیدم که او را برای شما فرستادم، زیرا او را خیرخواه شما دیدم و سرسختی او را در برابر دشمنانتان پسندیدم.» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۸)

همچنین دیگر کارگزار شایسته حضرت که در سرزمین مصر به شهادت رسید، محمد بن ابی بکر است. در نامه ۳۵ نهج‌البلاغه، امام علی (ع) وی را با این ویژگی‌ها می‌ستاید:

«فَعِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُهُ وَكَلْدًا نَاصِحًا وَ عَامِلًا كَادِحًا وَ سَيْفًا قَاطِعًا وَ رِكْنًا دَافِعًا»

(در پیشگاه خداوند او را فرزندی خیرخواه و کارگزاری کوشا و شمشیری برنده و ستونی بازدارنده می‌شماریم.)

در حقیقت حضرت در ضمن معرفی این مصادیق از کارگزاران شایسته، ویژگی‌هایی را که موجب گردید ایشان اسوه و الگوی

آسان تر شدن اداره امور این موضوع صورت پذیرفته است. (همان، نامه ۳۴)

به تو رساند، بردار و اگر دارای گوسفند یا شتر بود، بدون اجازه اش داخل مشو که اکثر اموال از آن اوست...» (نهج البلاغه، نامه ۲۵) حضرت همچنین در عهدنامه مالک اشتر (نامه ۵۳ نهج البلاغه) به مالک، تنظیم روابط با کارگزاران دولتی را تبیین می کنند. حضرت ملاک انتخاب و گزینش مدیران دولتی را تقوا، اخلاق، اصالت خانوادگی و سابقه در اسلام، طمعکار نبودن و... معرفی نمودند. سپس فرمان می دهد که این کارگزاران باید از نظر اقتصادی از حمایت کافی برخوردار باشند تا چشم طمع به بیت المال ندوزند. (همان، نامه ۵۳)

فرمان به ساده زیستی کارگزاران

در آموزه های اسلامی بر ساده زیستی و پرهیز از رفاه طلبی، تحمل - پرستی، اسراف و تبذیر، فخر فروشی و تکبر به صورت مؤکد توصیه شده است و این توصیه ها به ویژه در مورد زمامداران و کارگزاران حکومتی صراحت بیشتری دارد. هدف از این آموزه ها حفظ جامعه اسلامی مبتنی بر قسط و عدل و تعالی و تکامل بشری است. کارگزاران حکومتی، زمامداران و مدیران ارشد در هر جامعه ای برای توده های مردم الگو هستند و رفتار و کردار آنان خواه ناخواه در سطوح جامعه تأثیرگذار است. (۹)

لزوم ساده زیستی کارگزاران در نامه ۴۵ نهج البلاغه که حضرت آن را خطاب به عثمان بن حنیف انصاری نوشته و وی را به دلیل حضور در مجلس مهمانی اشرافی توبیخ کرده بود، تجلی یافته است. حضرت در این نامه پس از توبیخ این کارگزار، وی را از مصرف غذایی که حلال و حرام بودنش را نمی داند، نهی نموده و لزوم هم رنگ شدن وی را با مردم یادآور می شود و در ادامه ساده زیستی خود را به عنوان مقام الگویی به وی یادآور می شود و می فرماید:

«أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ إِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيَةٍ وَمِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيَةٍ، أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ، وَلَكِنْ أَعْيُونُونِي بَوْرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَقَّةٍ وَسَدَادٍ» (نهج البلاغه/ نامه ۴۵)

(آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است. بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید؛ اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری دهید.)

بی شک فاصله گرفتن کارگزاران از مردم و عدول از رویه ساده - زیستی و خو کردن به رفاه و تجمل گرایی، به تدریج موجبات دلزدگی و ادبار مردم از حکومت را فراهم می آورد و حاکمیت را از پشتوانه مردمی محروم و حکومت را آسیب پذیر خواهد ساخت. و مایه کاهش و زدودن قدرت نرم می شود. (باقری و حسینی، ۱۳۹۴، ص ۱۸) از همین رو، امام علی (ع) ضمن بیان و بازگویی حقیقت دنیا و افات دنیا طلبی، به نکوهش دنیا زدگان و به ویژه کارگزارانی می - پرداخت که به اشرافی گری روی آورده بودند؛ نامه ملامت آمیز آن حضرت به شریح بن حارث قاضی که خانه ای اشرافی و به بهای گزاف خریده بود، نمونه دیگر از برخورد حضرت با اشرافی گری کارگزاران است. (نهج البلاغه/ نامه ۳)

احکام حکومتی مربوط به کارگزاران اقتصادی کارگزاران اقتصادی شامل افرادی می شوند که حضرت در اداره امور حکومت ها و مناطق مختلف گماشته اند که اعم از وظایف فرمانداری، اداره امور در نقش کارگزار اقتصادی، حکمرانی و... بر عهده دارند. حضرت در راستای اجرای صحیح فرمان های حکومتی که به ایشان ابلاغ فرمودند و جهت حفظ حقوق عامه مردم، به محض اینکه کوچک ترین انحراف و یا خیانتی را از ایشان مشاهده می کردند، در ابتدا از راه تذکر وارد شده و اگر تذکر و هشدار اثرگذار نبود، از روش های عملی برای زدودن انحراف بهره می بردند. به عنوان مثال، در نامه ۵۱ نهج البلاغه، ایده آلی از کارگزاری بدین شکل بیان گردیده است:

«فَإِنَّكُمْ خُزَانُ الرَّعِيَّةِ، وَوَكَلَاءُ الْأُمَّةِ وَ سُرَرَاءُ الْأَيْمَةِ وَ لَا تُحْشِمُوا أَحَدًا عَنْ حَاجَتِهِ وَ لَا تُحْسِبُوهُ عَنْ طَلْبَتِهِ وَ لَا تَبِغْنَ لِلنَّاسِ فِي الْخِرَاجِ كِسْوَةَ شَتَاءٍ وَ لَا صَيْفٍ وَ لَا دَابَّةً يَتَمَلَّوْنَ عَلَيْهَا، وَ لَا عَبَدَاءَ، وَ لَا تُضْرِبْنَ أَحَدًا سَوْطًا لِمَكَانِ دِرْهَمٍ وَ لَا تَمَسَّنَّ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مُضَلًّا وَ لَا مُعَاهِدًا، إِلَّا أَنْ تَجِدُوا فَرَسًا أَوْ سِلَاحًا يُعَدَى بِهِ عَلَى أَهْلِ الْإِسْلَامِ، فَإِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَدَعَ ذَلِكَ فِي أَيِّدِي أَعْدَاءِ الْإِسْلَامِ» (نهج البلاغه/ نامه ۵۱)

(همانا شما خزانه دارن مردم، و نمایندگان ملت، و سفیران پیشوایان هستید؛ هرگز کسی را از نیازمندی او باز ندارید؛ و از خواسته های مشروع محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس های زمستانی و تابستانی و مرکب سواری، و برده کاری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید و به مال کسی نمازگزار نباشد، یا غیر مسلمانی که در پناه اسلام است، دست اندازی نکنید؛ جز اسب یا اسلحه ای که برای تجاوز به مسلمان ها به کار گرفته می شود. زیرا برای مسلمانان جایز نیست آن ها را در اختیار دشمنان اسلام بگذارد تا نیرومندتر از سپاه اسلام گردد.)

کارگزار شایسته باید در نحوه اخذ مالیات و زکات و در تعامل با مردم، اخلاق مدار باشد و به شیوه های صحیح و مسالمت آمیز عمل نماید. شیوه صحیح اخذ مالیات در کلام امام علی (ع) اینگونه تبیین شده است:

«با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد، حرکت کن. در سر راه هیچ مسلمانی را نترسان یا با زور از زمین او مگذر، و افزون تر از حقوق الهی از او مگیر. هر گاه به آبادی رسیدی، در کنار آب فرود آی و وارد خانه کسی مشو. سپس با آرامش و وقار به سوی آنان حرکن کن تا در میانشان قرار گیری، به آن ها سلام کن و در سلام و تعارف و مهربانی کوتاهی نکن. سپس می گویی «ای بندگان خدا! مرا ولی خدا و جانشین او به سوی شما فرستاده تا حق خدا را که در اموال شماست، تحویل گیرم. آیا در اموال شما حقی است که به نمایندگی او بپردازید؟» اگر کسی گفت نه، دیگر به او مراجعه نکن و اگر کسی پاسخ داد آری، همراهش برو، بدون آنکه او را بترسانی، یا تهدید کنی، یا به کار مشکلی وادار سازی، هر چه از طلا و نقره

پس از خبردار شدن از خرید خانه‌ای به مبلغ هشتاد دینار توسط یکی از کارگزاران، فرمان به برخورد قاطعانه با وی دادند و خطاب به وی فرمودند:

«به زودی کسی به سراغ تو می‌آید که به نوشته‌ات نگاه نمی‌کند و از گواهانت نمی‌پرسد، تا تو را از خانه بیرون کرده و تنها به قبر بسپارد. ای شریح! اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام نخریده باشی که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده‌ای. اما اگر هنگام خرید خانه نزد من آمده بودی، برای تو سندی می‌نوشتم که دیگر برای خرید آن، به درهمی یا بیشتر رغبت نمی‌کردی؛ آن سند را چنین می‌نوشتم: این خانه‌ای است که بنده‌ای خوار آن را از مرده‌ای آماده کوچ خرید، خانه‌ای از سرای غرور که در نابود شوندگان و کوچ هلاک شدگان قرار دارد.»

همچنین در نامه‌ای دیگر، حضرت پس از خبردار شدن خیانت یک کارگزار، به وی فرمان می‌دهد که حساب اموال‌اش را برای ایشان بفرستد:

«از تو خبری رسیده است که اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به خشم آورده و امام خود را نافرمانی و در امانت خود خیانت کرده‌ای. به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را برداشته و آنچه می‌توانستی گرفته، و آنچه را در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای. پس هر چه زودتر حساب اموالت را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است.» (نهج البلاغه، نامه ۴۰)

همچنین در توبیخ یکی از کارگزاران خیانتکار، در صورتی که اموال خورده شده را پس ندهد، او را تهدید به قتل می‌کند و می‌فرماید که اگر فرزندانش چنین می‌کردند، از حضرت روی خوش نمی‌دیدند و اموال ایشان بازستانده می‌شد. (همان، نامه ۴۱)

لذا احکام حکومتی حضرت در حوزه خیانت کارگزاران، برخورد قاطعانه و بدون مسامحه با تخطی‌گران بود و حضرت در خیانت‌های مالی کارگزاران هیچگونه انعطافی را روا و شایسته نمی‌دانستند.

احکام حکومتی پیرامون کارگزاران نظامی

امام علی (ع) اندیشمندی نظامی، رزمنده‌ای شجاع، فرماندهی دلیر و مدبر بود که قریب به نیم قرن تجربه نظامی‌گری داشت و بیشتر عمر خود را در میدان رزم و جنگ سپری کرد و طبعاً می‌تواند الگوی شایسته و مناسبی برای نظامیان و به ویژه نظامیانی باشد که خود را پاسدار مکتب تشیع می‌دانند. (۱۳)

به دلیل اهمیت موضوع نظامی‌گری و ضرورت حفظ و حراست از مرز و بوم اسلام، امام علی (ع) کارگزارانی را به سوی مناطق مختلف ارسال می‌نمودند تا وظیفه و رسالت مهم تأمین امنیت حکومت اسلامی را بر عهده گیرند. در این میان خط مشی‌ها و خطوط کلی نظامی در حوزه‌ها و جوانب مختلف به ایشان ابلاغ می‌شد تا در راه مستقیم پیش رفته و از هر گونه انحرافی مصون باشند. فرمان‌های حکومتی صادر شده از جانب امیرالمؤمنین (ع) موضوعی است که در نامه‌های حضرت به برخی کارگزاران نظامی تجلی یافته است. مهم‌ترین این موضوعات، رعایت اصول انسانی و اخلاق‌مداری در جنگ است (۱۴).

احکام حکومتی پیرامون حفظ و حراست از بیت‌المال از دیدگاه امام علی (ع) تمامی کسانی که دین اسلام را پذیرفته بودند، در یک رتبه و درجه قرار داشتند. برای آن حضرت رنگ و نژاد، آزاد بودن و برده بودن و شریف و غیر شریف معنا نداشت. همگی بنده خداوند بودند و عدالت حکم می‌کرد که اموال اضافه بیت‌المال که مصرف خاصی ندارد، به طور مساوی در میان آنان تقسیم شود. از منظر آن حضرت هیچیک از بندگان خداوند جز به اطاعت خدا و رسول و پیروی از کتاب و سنت از دیگری برتر نیستند. (۱۰) لذا حضرت در مواجهه با کارگزاران همواره فرمان به رعایت عدالت در بیت‌المال و عدم خیانت در آن می‌دادند.

حضرت در نامه پنجم نهج البلاغه به استفاده کنندگان ناروا از بیت‌المال هشدار می‌دهند و سوء استفاده از پست و مقام سیاسی در راستای امر معاش را خیانت معرفی نموده و وظایف سیاسی را امانتی در گردن کارگزاران می‌دانند. همچنین حضرت اموال عمومی را امانتی الهی در دستان کارگزار معرفی می‌کند.

حضرت در هشدار به یکی از کارگزاران که قصد خیانت در بیت‌المال داشت، به وی چنین فرمان دادند:

«همانا من، به راستی به خدا سوگند می‌خورم! اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال درمانده و خوار و سرگردان شوی!» (نهج البلاغه/نامه ۲۰)

همچنین در نامه ۴۳ نهج البلاغه خطاب به فرماندار فیروزآباد فارس که از اموال عمومی غنیمت گرفته شده از جنگ‌ها به خویشاوندان خود می‌بخشید، می‌نویسد که اگر این خبر حقیقت داشته باشد، خدا را به خشم آورده و منزلتش نزد امام سست می‌شود. و سپس این مطلب را بیان می‌دارد که همه مسلمانان می‌بایست از حق مساوی در تقسیم بیت‌المال بهره‌مند شوند و هیچ تبعیضی در این میان مطرح نیست.

بنابراین هر گونه اسراف و اتلاف بیت‌المال از سوی کارگزاران، علاوه بر حرمت، موجب ضمان شرعی است. (۱۱). هر گونه تصرف و بهره‌برداری شخصی بدون اجازه مسئول شرعی و قانونی بیت‌المال جایز نیست و کسی نمی‌تواند آن‌ها را در راستای اهداف و مصالح شخصی خود به کار گیرد. (۱۲)

خیانت اقتصادی کارگزاران

نصوص دینی به مأموریت حکومتی و مسئولیت‌های اجتماعی به‌عنوان امانت نگاه می‌کند. آیات بسیاری از قرآن کریم این نگرش را تأیید و توصیه می‌کنند. از جمله آن‌ها آیه ۵۸ سوره نساء است: «همانا خدا به شما امر می‌کند که امانت‌ها را به صاحبانش باز دهید.» (النساء/۵۸)

ظاهر آیه و جوب رد امانت به صاحبش و اطلاق امانت شامل، امانت مالی و غیر مالی می‌شود.

در مقابل این توصیه‌ها، خیانت در امانت تبعات و پیامدهای سوء بسیاری را به دنبال دارد. از جمله آن‌ها خیانت در امانت اقتصادی است. امیرالمؤمنین (ع) در نامه‌های نهج البلاغه، فرمان حکومتی مبنی بر برخورد قاطعانه با کارگزاران خیانت‌کار عنوان کردند. از جمله

فرماندهان نظامی می‌بایست در انجام وظایفی که به آن‌ها محول شده نهایت تلاش و کوشش خود را به کار گیرند و هیچگونه سستی در این زمینه روا و شایسته نیست. شیوه برخورد حضرت با سستی فرماندهان، نکوهش ایشان و اعلام نارضایتی است. به‌عنوان مثال در مورد سستی «کمیل بن زیاد»، وی را به شدت نکوهش نموده و اینگونه فرمودند:

«سستی انسان در انجام کارهایی که بر عهده اوست و پافشاری در کاری که از مسئولیت او خارج است، نشانه ناتوانی آشکار و اندیشه ویرانگر است...» (همان، نامه ۶۱)

حضرت در نامه ۱۱ نهج‌البلاغه نحوه آموزش و تاکتیک‌های نظامی را اینگونه تبیین می‌کنند:

هنگامی که امام (ع) لشکری به سرکردگی زیاد بن نضر حارثی و همراه شریح بن هانی از نخيله کوفه به سوی شام فرستاد، در بین راه میان آن دو نفر اختلاف افتاد و هر کدام به شکایت از دیگری برای حضرت نامه ای نوشتند، حضرت در پاسخ هر دو این نامه را نوشتند که برگزیده‌اش بدین شرح است:

«هر گاه دشمن به شما رسیدند، یا او به شما رسید، لشکرگاه خویش را بر فراز بلندی‌ها یا دامنه کوه‌ها یا بین رودخانه‌ها قرار دهید تا پناهگاه ما و مانع هجوم دشمن باشد، جنگ را از یک سوی یا دو سو آغاز کنید و در بالای قله‌ها و فراز تپه‌ها دیده‌بان‌هایی بگمارید. مبادا دشمن از جایی که می‌ترسید، یا از سویی که بیم ندارید، ناگهان بر شما یورش آورد و بدانید که در پیشاهنگان سپاه دیده‌بان لشکریان- اند و دیده‌بان طلایه‌داران سپاه‌اند. از پراکندگی بپرهیزید. هر جا که فرود می‌آیید، باهم فرود آید و هرگاه کوچ می‌کنید، همه با هم کوچ کنید و چون تاریکی شب شما را بپوشاند، نیزه‌داران را پیرامون لشکر بگمارید و نخوابید مگر اندک، چونان آب در دهان چرخاندن و بیرون ریختن.»

نتیجه‌گیری

از آنجایی که حکومت طی دوره‌ای به صاحب بر حقش یعنی امام علی (ع) رسید، حضرت در راستای سامان‌بخشی به اقتصاد و معیشت و امنیت مردم، تلاش‌های به‌سزایی نمودند که از جمله آن‌ها گماشتن کارگزارانی شایسته در اقصی نقاط حکومت اسلامی بود. در راستای هدایت و فرماندهی این کارگزاران حضرت احکام حکومتی در حوزه‌های مختلف اعم از اقتصادی، سیاسی، نظامی و... صادر می‌کردند و در نامه‌های مختلفی که به این کارگزاران می‌نوشتند، این احکام حکومتی را ابلاغ می‌نمودند. در این میان دو مقوله اقتصاد و مسائل نظامی از اهمیت شایانی برخوردار است. چرا که موضوع نخست در ارتباط با معیشت مردم و مقوله دوم در ارتباط با امنیت ایشان است. احکام حکومتی در حوزه اقتصادی در نامه‌های حضرت در راستای حفظ حقوق عامه مردم صورت می‌پذیرفت و دستوراتی که حضرت به کارگزاران حکومتی می‌دادند با هدف حراست و حفظ از بیت‌المال و تقسیم عادلانه آن و فرمان به ساده‌زیستی با توجه به مقام الگویی، مبارزه با اشرافی‌گری و برخورد قاطعانه با نوشتن نامه‌های با لحن تند به کارگزاران ثروت‌اندوز و در نهایت

سیمای کارگزاران نظامی در عهدنامه امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر به زیبایی ترسیم گردیده است. حضرت شیوه برگزیدن فرماندهان نظامی را به مالک اشتر اینگونه آموزش می‌دهد:

«فَوَلِّ مِنَ جُنُودِكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِإِمَامِكَ، وَ أَنْفَاهُمْ جَيِّبًا، وَ أَفْضَلَهُمْ حِلْمًا، مِمَّنْ يُبْطِئُ عَنِ الْغَضَبِ وَ يَسْتَرْيِحُ إِلَى الْعُدْرِ وَ يِرَأُفُ بِالضَّعْفَاءِ وَ يَنْبُو عَلَى الْأَقْوِيَاءِ وَ مِمَّنْ لَا يُتْبِرُوهُ الْغَفْوَ وَ لَا يَقَعُدُ بِهِ الضَّعْفُ، ثُمَّ أَلْصَقْ بِذَوِي الْمُرُوثَاتِ وَ الْأَحْسَابِ وَ أَهْلِ الثُّبُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَ السُّوَابِقِ الْحَسَنَةِ ثُمَّ أَهْلَ النَّجْدَةِ وَ الشَّجَاعَةِ وَ السَّخَاءِ وَ السَّمَاخَةِ وَ إِنَّهُمْ جِمَاعٌ مِنَ الْكِرْمِ وَ شُعْبٌ مِنَ الْعُرْفِ...» (نهج‌البلاغه/نامه ۵۳)

(برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر (ص) و امام تو بیشتر، و دامن او پاک‌تر، شکیبایی او برتر باشد، از کسانی که دیر به خشم آید، و عذرپذیرتر باشد، و بر ناتوان رحم آورد و با قدرتمندان با قدرت برخورد کند. درشتی او را به تجاوز نکشاند و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد. سپس در نظامیان با خانواده‌های ریشه‌دار، دارای شخصیت حساب‌شده، خاندانی پارسا، دارای سوابق نیکو و درخشان، که دلاور و سلحشور و بخشنده و بلندنظرند، روابط نزدیک برقرار کن. آنان همه بزرگواری را در خود جمع کرده و نیکی‌ها را در خود گرد آورده‌اند...)

این ملاک‌ها و ضوابط از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) در انتخاب کارگزار نظامی مورد توجه قرار گرفته است و لذا حضرت کارگزارانی را انتخاب می‌نمودند که از ویژگی‌های مذکور برخوردار باشد.

در نامه ۱۴ نهج‌البلاغه، حضرت به کارگزاران و فرماندهان نظامی دستور می‌دهند که هیچگاه آغازگر جنگ نباشند؛ زیرا حجت و حق با ایشان است و اگر دشمن آغازگر جنگ باشد، حقانیت ایشان کامل می‌شود. همچنین حضرت فرمان می‌دهد کسانی که پس از جنگ درصدد فرار برآمدند را نکشند و به آنان که قدرت دفاع ندارند، آسیب نرسانند. همچنین برخورد مسالمت‌آمیز با زنان و صبر کردن در برابر آزار زبانی ایشان دیگر فرمان حضرت به سربازان حاضر در جنگ است. (نهج‌البلاغه/نامه ۱۴)

در آغاز جنگ صفین، حضرت تاکتیک‌های نظامی را اینگونه به سپاهیان خود آموزش دادند:

«عقب‌نشینی‌هایی که مقدمه هجوم دیگری است و ایستادنی که حمله در پی دارد، نگران‌تان نسازد. حق شمشیرها را ادا کنید و پشت دشمن را به خاک بمالید و برای فرو کردن نیزه‌ها و محکم‌ترین ضربه‌های شمشیر، خود را آماده سازید. صدای خود را در سینه‌ها نگه دارید که در زدودن سستی نقش به‌سزایی دارد.» (همان، نامه ۱۶)

در قسمتی از نامه ۵۰ حضرت مسئولیت‌های رهبر و نظامیان را ترسیم می‌نماید. حضرت حق ایشان را بر خود پنهان نداشتن اسرار به جز اسرار نظامی، مشورت کردن با فرماندهان نظامی، کوتاهی نکردن نسبت به حقوق ایشان، برخورد و رفتار عادلانه و... می‌دانند. وظیفه نظامیان نیز این است که از دستورات حضرت تبعیت کنند و از آن سرپیچی نکنند و برای رسیدن به حق تلاش نمایند.

8. Dilshad Tehrani, Mustafa; Amin Naji, Mohammad Hadi; Bagharpour, Seyyed Masoum; The principles and principles of dismissal and installation of officials with the approach of the political thought of Imam Ali (AS) in Nahj al-Balagha, Journal of Government Organizations Management, Volume 5, Number 1, Winter 2015.
9. Rashidi, Behrouz; Jafarinejad, Massoud; Fawzi, Yahya; The role of the simple life of government officials in the health of the Islamic Republic system with an approach according to Imam Khomeini (RA), Matin Research Journal, 21st year, number 85, winter 2018.
10. Ibn-Sha'ba Harrani, Hasan-Ben-Ali, (1363 AH), Tohf-ul-Aqool, Qom: Jamia Madrasin.
11. Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1422 AH), Isftataat, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers.
12. Makarem Shirazi, Nasser, (1427 AH), New Esftataat, Qom: Publications of Imam Ali (AS) School.
13. Qaidan, Asghar, (1370), Military policy of Imam Ali (AS), Tehran: Forozan Publications.
14. Bagheri Chumkani, Siamak; Hosseini, Hossein, The role of political ethics in validating the internal political dimension of power, Afaq Security, No. 28, pp. 5-31.

برخورد قاطع با کارگزار خیانتمکار اقتصادی و تنبیه وی صورت می- پذیرفت. فرمان حکومتی مربوط به جنگ‌ها شامل آموزش تاکتیک‌های نظامی، آغازگر جنگ نبودن، رفتار شایسته با اسیران جنگی، نحوه مبارزه و نبرد در راستای پیروزی نهایی، آموزش چگونگی انتخاب فرمانده جنگی و... احکام حکومتی امیرالمؤمنین (ع) در حوزه نظامی، خطاب به فرماندهان و کارگزاران نظامی مستقر در مرزها و دیگر نقاط حکومت اسلامی است. عزل و نصب- های حکومتی حضرت بر مبنای ضوابط و معیارهایی خاص بود و ملاک اصلی برای نصب، شایستگی همه جانبه و ملاک اصلی برای عزل، عبور از خطوط قرمز اخلاقی و اقتصادی بود.

References

- Nahj al-Balagha; Translated by Mohammad Dashti, Qom: Israa, 2018.
1. Rahmani, Mohammad, (1374), the collection of works of the Congress on Jurisprudence of Imam Khomeini (RA), bi ja: bina.
 2. Najaf, Mohammad Mahdi, (Bita), Faqeh al-Hajj, Tehran: Mashaar Publishing House.
 3. Kalantari, Ali Akbar, (1378), Second Judgment in Islamic Legislation, Qom: Bostan Kitab.
 4. Nematollahi, Ismail, (Winter 1379), the extent of government decree, Qobsat, Volume 5, No. 15 and 16, pp. 127-144.
 5. Tabatabaei Yazdi, Ahmed and Moghiseh, Reza and Haji Mohmareh, Mohammad Hossein, (2015), An approach to government and management jurisprudence based on the thought of Imam Khomeini, Tehran: University of Tehran.
 6. Najafi, Muhammad Hasan, (1404 AH), Javaher al-Kalam fi Sharh Shar'i al-Islam, Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
 7. Ebrahimi, Abduljavad, (1374), article: "Explanation of fixed and variable jurisprudence in Islamic Sharia" in: A collection of writers, the role of time and space in the issues of rulings (Collection of the works of the congress examining the foundations of jurisprudence of Imam Khomeini (RA), the role of time and Place in Ijtihad), Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini (RA).